

## بررسی حق تربیت فرزند بر والدین در نهج البلاغه

نعیمه حمیسی<sup>4\*</sup>

### چکیده

همواره از دیرباز تا کنون فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه ارائه تئوری‌های تربیتی فرزند در جوامع مختلف بشری انجام شده است که مسلمانان نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند؛ لیکن به نظر می‌رسد بیشتر فعالیت‌های این عرصه بر مبنای تئوری‌های روانشناسی غربی پایه‌گذاری شده‌اند و این در حالی است که غنی‌ترین منبع معارف از جمله معارف مربوط به علوم انسانی در اختیار مسلمانان بوده و هست و نهج البلاغه و سیره امیرالمؤمنین و دیگر ائمه اطهار (ع) اقیانوس ژرف پرگوهری هستند که غواص ماهر می‌تواند تمام مسائل را به آن عرضه کند و مروارید جوابش را دریافت نماید. از این‌رو در نوشتار حاضر سعی شده مؤلفه‌های تربیتی اسلامی و بطور خاص، حقوق فرزند بر پدر و مادر از دل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه استخراج گردد و به ابعاد گوناگون آن در مراحل مختلف پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** نهج البلاغه، حق، تربیت، والدین، فرزندان

---

<sup>2\*</sup>. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه الزهرا و طلبه سطح سه؛ nh.hamissi@yahoo.com

**مقدمه**

حق از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم نهج البلاغه است. جایگاه رفیع حق در اندیشه و عمل علی، صدق حدیث پیامبر اکرم (ص) را به اثبات می‌رساند که «علی مع الحق و الحق مع علی». حق از واژگان بسیطی است که گسترده‌ترین مصادیق را دارد و از این حیث می‌توان آن را با واژه «وجود» یا «هستی» مقایسه کرد. در این نوشتار حقوق فرزند بر والدین از دیدگاه امام علی (ع) بررسی شده است.

**معنای لغوی و اصطلاحی حق**

«حق» در لغت در معنای گوناگونی بکار رفته است؛ برخی از معنای حق عبارتند از: راستی، عدالت، ثابت و یقین که در آن جای تردید و انکار نباشد. مال، ملک و سلطنت، مرگ واقع (جبران، 1381: 1/689)، قطعی، پابرجا، مصدر کار حتمی و قطعی و واقع شدنی (بندرریگی، 1395: 106). گفتار حق و مطابق با واقع. (مصطفی، 1387: 187) معنای متعدد دیگری از نظر لغت برای واژه حق بکار رفته، اما از میان معنای مذکور، معنای مطابق با واقع بودن سلطنت، ثبت ظهور و نمود بیشتری دارد.

حق در علوم مختلف در معنای گوناگون استفاده شده است که گاهی معنای آن در یک اصطلاح با معنای دیگر آن در اصطلاحات دیگر متفاوت است. آنچه در این مجال مد نظر است چیزی که یک شیء شایستگی وصول به آن را دارا می‌باشد (سهروردی، 1372: 182/3).

**معنای لغوی و اصطلاحی تربیت**

تربیت از ماده (ر ب و) به معنای اتمام، اصلاح، رشد بخشی و نمو دادن مرحله به مرحله مترتبی تا حد نهایی آن، زیاد کردن، پاکیزه کردن، پرورش دادن و بزرگ کردن است (طباطبایی، 1379: 171).

تربیت در اصطلاح به معنای فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعدادهای جسمانی و روحانی و هدایت آنها در جهت مطلوب و جلوگیری از انحراف و ناهنجاری هاست (گروه نویسندگان، 1388: 28).

### تربیت دینی از منظر نهج البلاغه

اگر تربیت دینی را رشد و سلامت ابعاد مختلف وجود انسان و تقویت او در جنبه‌های مورد رضایت پروردگار بدانیم، از بازی و خلاقیت و نظم و تفکر کودک تا بلوغ و خودشکوفایی نوجوان و جوان، در همه نیاز به همراهی با معارف قرآن و اهل بیت (ع) را در می‌یابیم؛ چنانکه امام علی (ع) در نهج البلاغه که می‌فرماید: «إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا. فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ اسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ وَيَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ»؛ فرزند را بر پدر حقی است و پدر را نیز بر فرزند حقی. حق پدر بر فرزند این است که در همه حال فرزندش فرمانبردار باشد مگر در معصیت خدای سبحان و حق فرزند بر پدر این است که برای او نام نیکو برگزیند و نیکو ادبش کند و به او قرآن بیاموزد. (فولادوند، 1381: 499).

واژه تربیت به مفهوم زمینه‌سازی و مهیا کردن شرایط برای سلامت و نشاط و بلوغ همه قوای انسانی است. رسیدن به این بلوغ نیز هم افزودن است و هم کاستن، تا با دستیابی به تعقل خودمدیریتی، خودکنترلی و خودشکوفایی بتوان رسم بندگی خداوند را به جا آورد و ایمان و عمل صالح را با علم، مراقبت و توجه، به یقین و احسان عمل رساند.

مهمترین محوری که پیام اصلی تمام ادیان الهی است، تعیین مسیر و مقصد شایسته فرد و جامعه انسانی است و سمت موضوع و گستردگی جامعه هدف (انسان) موجب می‌شود تا در تأمین این راه مقدس، به قرآن و ائمه (ع) متوسل شویم. در بیانی از تعریف تربیت دینی می‌توان گفت افراد باید گونه‌ای آراسته و پیراسته شوند که شخصیت آنها با مقاصد

مطرح شده در قرآن و روایات اهل بیت (ع) همگونی داشته باشد. بدین ترتیب هر نوع بسترسازی را که به شکوفایی ابعاد گوناگون وجود انسان بپردازد و آن را در جنبه مثبت بارور سازد، تربیت دینی گویند.

امام علی (ع) در فراز 22 از نامه خود به امام حسن (ع) می فرماید: «الحدث كالأرض الخالية ما ألقى فيها من شيء قلبه فبادرتك بأدب قبل أن يقسو قلبك و يشتغل لبك لتستقبل بجد رأيك من الأمر»؛ پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آنکه دل تو سخت شود و به عمل به چیز دیگری مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند و آنچه از تجربیات آنها نصیب ما شده به تو هم رسیده و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود برای شما روشن گردد. (همان، 301).

امام (ع) در فرازی دیگر از این نامه با توجه به لزوم تربیت الهی فرزندان می‌فرماید: «فإني أوصيك بتقوى الله أي بنى و لزوم امره و عمارة قلبك بذكره و الإعتصام بحبله و أي سبب أوثق من سبب بينك و بين الله أن انت أخذت به»؛ ای فرزندم تو را به ترس از خدا وصیت می‌کنم و ملازمت امرش و آباد ساختن دل به یاد او و چنگ زدن به ریسمان وی و کدام ریسمان از ریسمانی که میان تو و خداست استوارتر است؛ اگر در آن چنگ زنی؟! (همانجا). با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان فهمید که وقتی محور تربیت عشق‌بخشی به دیانت و تقوای دینی در کودکان و نوجوانان باشد، مسلماً فرزندان از هر نوع آسیب اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند. درونی شدن ارزش‌های دینی به ویژه حجاب و عفاف باعث می‌شود آنان در برابر انحرافات مقاوت بیشتری داشته باشند و کمتر در دام مفسد اخلاقی - اجتماعی گرفتار شوند. برای پرورش روح در تربیت دینی باید به چند نکته توجه نمود؛ چنانکه استاد مرتضی مطهری می‌فرماید:

«روح دارای پنج بعد یا پنج استعداد است: بعد عقلی که همان استعداد علمی و حقیقت-جویی است. بعد اخلاقی که انسان در سرشت و فطرتش اخلاقی خلق شده است؛ چنانکه دیگران را دوست بدارد و به آنها خدمت و احسان کند و از اینکه ظلمی به دیگران کند رنج می‌برد. بعد دینی یا عبادی که همان حس پرستش یک حقیقت مافوق و منزّه است و انسان می‌خواهد در مقابل او خضوع کند و او را تقدیس نماید. بعد هنری یا زیبایی که انسان زیبایی را از جهتی که زیباست دوست می‌دارد و در نهایت استعداد و خلاقیت که انسان آفریننده و مبتکر و مبدع آفریده شده و از جمله چیزهایی که هرکس از آن لذت می‌برد، قدرت ابداع و ابتکار و نوآوری است» (مطهری، 1373: 69).

به تعبیر دیگر تربیت دینی بارور نمودن باورهای زیبا، صفات نیک و اعمال شایسته‌ای است که فرد را به فلاح و رستگاری راهنمایی می‌کند و در اثر این رشد، جسم و روح انسان به نهایت سلامت و شکوفایی خود نائل شده و فرد و جامعه به زندگی پاکیزه دست می‌یابند.

### حق تربیت فرزند (پیش از تولد و پس از تولد)

از آنجا که یکی از مهم‌ترین حقوق فرزند در کنار دیگر حق‌های وی از جمله حق نفقه، حق دفاع، حق ارث، حق حفظ حیات، حق تربیت است، در این نوشتار بر این مهم اهتمام شده تا با بهره‌گیری از گنجینه نهج البلاغه نکات تربیتی ترسیم گردد.

#### حق تربیت پیش از تولد

در مسئله تربیت توجه به آغاز بازه زمانی تربیت بسیار حائز اهمیت است؛ چنانکه از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی باید تربیت فرزند را آغاز کرد؟ حکیم گفت: بیست سال پیش از تولد فرزند و اگر به نتیجه لازم نرسیدید، معلوم می‌شود که باید زودتر از آن شروع می‌گردید (سادات، 1387: 21/2). در واقع، اگر پدر و مادر آینده از سال‌های پیش از ازدواج، قلب و جان خویش را از ناپاکی‌ها و صفات ناپسند پیراسته نمایند و روح خود را به اخلاق نیکو بیارایند، در حقیقت بخشی از سلامت روح و روان و تربیت کودک آینده خویش

را از پیش تأمین کرده‌اند؛ چنانکه در جنگ جمل، محمد حنفیه، فرزند حضرت علی (ع) علمدار بود. حضرت علی (ع) به او فرمان حمله دادند و او حمله کرد، در اثر ضربه‌های دشمن وی از پیشروی باز ماند محمد حنفیه اندکی پیش رفت ولی دوباره متوقف شد. حضرت (ع) از ضعف فرزند خویش آزرده شد و با قبضه شمشیر به دوشش کوبید و فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت به ارث بردی و من که پدر تو هستم، ترسی ندارم و اگر تو مادری چون زهرا داشتی نمی‌ترسیدی» (فلسفی، 1395: 1/65).

وقتی که کودک دارای صفات موروثی خوب و پسندیده است و در سرشت خود احساسات و عواطف مطبوعی دارد، تربیتش آسانتر است و زودتر می‌تواند صفات نیکو و ویژگی‌های پسندیده را فرا گیرد و انسانی شایسته گردد، ولی کودکانی که صفات موروثی و ساختمان عاطفی آن‌ها بد و ناپسند است، در پرورش و تربیت آنها مراقبت‌های بیشتر و دقیق‌تری لازم است. (همان، 159/2) بنابراین انتخاب همسر شایسته یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت قبل از تولد است. در این زمینه حضرت علی (ع) با توجه به تأثیر قانون وراثت بر فرزندان می‌فرماید: «ایکم و تزویج الحمقا فأن ...»؛ ولد ضایع از ازدواج با شخص احمق و کم‌خرد بهره‌یز که فرزند او (از نظر اخلاق) تباه شده خواهد بود (کلینی، 1393: 353/5).

از دیگر مؤلفه‌های تربیت قبل از تولد که در امور تکوینی وی اثر دارد، لقمه حلالی است که پدر و مادر می‌خورند تا مایه وجودی بچه آنها شکل بگیرد. این حق از جمله حقوق فرزند است که تأثیر زیادی در سعادت او دارد. مرحله بعدی در زمان انعقاد نطفه فرزند، حالت جسمی و روانی مادر از نظر شرعی مطلوب است؛ زیرا در تکوین کودک ویژگی‌های جسمی و اخلاقی او مؤثر است و نادیده گرفتن آن بدون شک ندامت و پشیمانی در پیش دارد. مرحله بعدی، رعایت حال فرزند در دوران جنینی است که بسیار حساس است و تمام حرکات و سکنتات مادر در تکوین وی مؤثر است (قنبری، 1386، 12 و 13).

## حق تربیت پس از تولد

### 1- انتخاب نام نیک

حق فرزند بر پدر و مادر در بدو تولد انتخاب نام نیکو برای اوست؛ چراکه در آینده به طور مستمر با این نام خوانده می‌شود. نام وسیله‌ای است برای توجه به شخصیت کودک و اگر نامی مستهجن و مضحک باشد بی‌شک مورد تمسخر قرار گرفته و سبب رنجش و آزرده‌گی خاطر کودک را فراهم خواهد آورد. از این رو باید دقت کرد تا از نام‌های خوب و نیکو استفاده شود؛ چنانکه در روایات آورد شده برای فرزندان خود از بهترین نام‌ها استفاده کنید و بهترین نام آن است که نشان بندگی و عبودیت پروردگار و یادآور فضایل و مکارم اخلاقی باشد. حضرت علی(ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «و حق الولد علی الوالد ان یحسنى اسمه و عینی ادبه و یعلمه القرآن» (فولادوند، 1381: 399).

### 2- حلم و بردباری در امر تربیت

در ابتدا لازم است اشاره‌ای به قطعه پربار و حکیمانه امیرالمؤمنین (ع) داشته باشیم که در جواب کسی که از ایشان پرسید خیر چیست؟ فرمودند: «لیس الخیران یكثر مالک و ولدک، ولكن الخیر لن یكثر علمک، و ان یعظم حلمک و ان تبا هی الناس بعبادة ربک فان احسنت حمدت الله و ان اسألت استغفرت الله و لاخیر فی الدنیا إلا لرجلین، رجل اذنب ذنوبا فهو یتدارکها بالتوبة، و رجل یسارع فی الخیرات و لا یقل عمل مع التقوی و کیف یقل ما یتقبل»؛ خیر در این نیست که ثروت و فرزندان زیاد شوند، خیر در زیاد شدن علم و حلم و بردباری توست و اینکه به بندگی و عبادات پروردگارت مباحثات کنی. اگر رفتار و کردار و اخلاقت خوب بود، خدا را بر این خوبی سپاس کن و اگر بد کردی از حضرت او طلب مغفرت نمای. در این دنیا خیر نیست مگر برای دو نفر؛ کسی که مرتکب گناهی شده و آن را با توبه ترک کرده و کسی

که بسوی تمام خوبی‌ها سرعت گرفته است. عملی که همراه با تقواست کم و اندک نیست، چگونه کم و اندک باشد عملی که پذیرفته شده است؟! (ابن ابی الحدید، 1385، 250/18).

در این فراز عرشی به سه حقیقت اشاره شده است: دانش، بردباری و به کارگیری هر دو که عبادت حق است و در پایان به این معنا توجه داده شده که علم و حلم و بکارگیری آن باید همراه با پرهیز از گناه و خودداری از معصیت باشد تا به قبولی حضرت حق برسد. در خصوص حقوق فرزند بر پدر و مادر، از این جملات ملکوتی چنین استفاده می‌شود که پدر و مادر در وهله اول باید به وظایف و مسئولیت‌های خود نسبت به فرزندان از نظر اسلام، بصیرت و آشنایی پیدا کنند و در درجه بعد برای اجرای آن حوصله و بردباری به خرج دهند و در بکارگیری آن دستورات که عبادتی بزرگ است، در باطن خود مباحثات داشته و خوشحال باشند و حضرت حق را در توفیق توجه به فرزندانشان و رعایت حقوق آنان سپاس گویند و اگر زمینه تقصیری از آنان سر زد، طلب مغفرت نمایند و در تمام جوانب مسئله تقوا را رعایت کنند که زحمات آنان بر باد نرود. توجه به حقوق فرزند و زحمت کشیدن برای ادای حقوق، بدون تردید عبادتی بزرگ و خیری عظیم است، که ثمره آن در دنیا و آخرت نصیب خود انسان می‌شود.

### 3- فراهم نمودن زمینه تربیتی مناسب

یکی از حقوق فرزندان فراهم نمودن زمینه تربیت صحیح ایشان است و اگر زمینه‌های تربیت صحیح در فرزندان مهیا نگردد، اعمال روشهای تربیتی در آنان نتیجه نخواهد داد. شرایط و رفتار مادر در دوران بارداری، نامگذاری کودک، چگونگی تأمین نیازهای جسمی و روحی، توجه به شخصیت فرزند، عقیقه کردن، صدقه دادن، دعا و نفرین والدین، نحوه گزینش دوستان، شیوه تشویق و تنبیه و دهها عامل دیگر از جمله مسائلی هستند که در حالات، ویژگی‌های شخصیتی، خلق و خوی و خصلت‌های کودک تأثیر دارد و انتخاب‌های وی را در مسیر زندگی رقم می‌زند. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَأَيْنَمَا قَلْبُ

الْحَدِيثُ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ، وَ يَسْتَعْلِ لُبُّكَ، لِتَسْتَقْبِلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ التَّجَارِبِ بُعِيَتْ هُوَ تَجْرِبَتُهُ... وَ أَجْمَعْتُ عَلَيْهِمْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَأَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ، ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ، وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ؛ قلب جوان زمین خالی است که هر بذری در آن کاشته شود می پذیرد. پیش از آنکه قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول گردد، به تعلیم و تربیت تو مبادرت نمودم و همت خود را بر تربیت تو گذاشتم، زیرا عمر تو رو به پیش است و روزگارت رو به جلو و دارای نیتی سالم و روحی با صفا هستی (ابن ابی الحدید، 1385: 295).

همچنین می فرمایند: در سن پیری با کوله باری از تجارب و آگاهی ها، اقدام به وصیت نمودم برای تو قبل از آنکه هوا هوس و فتنه های دنیا بر تو هجوم آورد و همچون مرکب سرکش گردی. من قبل از این که این زمین مستعد در راه های غلط و کارهای بیهوده به کار گرفته شود، باید استعدادها و توانایی هایش را در مسیر سعادت و خوشبختی شکوفا سازم.

### تأثیر تحبیب و جلب اعتماد در تربیت

موفقیت در امر تربیت بر جلب اعتماد و تحبیب و اظهار خیرخواهی و برانگیختن احساسات و عواطف شخصی که تحت تربیت و پرورش قرار میگیرد؛ چنانکه حضرت (ع) در قسمت اول وصیت نامه خود می فرماید: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمَقْرَرِّ لِلزَّمَانِ الْمُدْبِرِ الْعُمُرِ، الْمُسْتَسْلِمِ لِلدَّهْرِ، الدَّامِ لِلدُّنْيَا، السَّاكِنِ مَسَاكِنِ الْمَوْتَى، الطَّاعِنِ عَنْهَا غَدًا، إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يَدْرِكُ، السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ، غَرَضِ الْأَسْقَامِ رَهِينَةَ الْأَيَّامِ، وَرَمِيَّةِ صِ الْمَصَائِبِ، وَ عَبْدِ الدُّنْيَا، وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ، وَ غَرِيمِ الْمَنَايَا، وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ، وَ حَلِيفِ الْهُمُومِ، قَرِينِ الْأَحْزَانِ، وَ نُصْبِ الْأَفَاتِ وَ صَرِيحِ الشَّهَوَاتِ، وَ خَلِيفَةِ الْأَمْوَاتِ»؛ از پدری فانی، معترف به سختگیری زمان، که آفتاب عمرش رو به غروب است و خواه ناخواه تسلیم گذشت دنیا است؛ همو که در منزلگاه پیشینیان سکنی گرفته و

فردا از آن کوچ خواهد کرد به فرزندی آرزومند، آرزومند چیزی که هرگز بدست نمی‌آید و در راهی گام می‌نهد که دیگران در آن گام نهادند و هلاک شدند! به کسی که هدف بیماری‌ها است، گروگان روزگار، در تیررس مصائب، بنده دنیا، بازرگان غرور، بدهکار و اسیر مرگ، هم‌پیمان اندوه‌ها، قرین غم‌ها، آماج آفات و بلاها، مغلوب شهوات و جانشین مردگان است (دشتی، 1387: 402).

معمولاً عواطف و احساسات بین احبا و اقرباء هنگام جدایی و فراق، مخصوصاً فراق دائمی و مرگ، بروز و ظهور بیشتری دارد و به این جهت است که وصیت‌نامه قبل از طرح هرگونه سفارشی با این عبارت شروع می‌شود: این وصیت از پدری است که قریب شصت سال از عمر او گذشته و رو به مرگ و زوال است و مرگ هم مختص او نیست، بلکه دیگران هم که قبل از او بودند تسلیم مرگ شدند. بعد به این نکته تذکر می‌دهند که فرزندم تو هم در دنیای بی وفا و فریبکار ماندنی نیستی و در زندگی چند روزه دنیا با داشتن آرزوهای زیاد با مصائب و مشکلاتی دست به گریبان هستی.

دومین قسمت وصیت‌نامه نیز درصدد مقدمه‌چینی و فراهم نمودن آمادگی ذهنی برای پذیرش نصایح از راه تحریک عواطف و اظهار خیرخواهی و محبت و دل بستگی است: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ فِيمَا تَبَيَّنْتُ مِنْ إِدْبَارِ الدُّنْيَا عَنِّي، وَ جُمُوحِ الدَّهْرِ عَلَيَّ، وَإِقْبَالِ الْآخِرَةِ إِلَيَّ، مَا يَزَعِينَعُنْ ذِكْرٍ مَنْ سِوَايَ، وَالْأَهْتِمَامِ بِمَا وَرَائِي غَيْرَ أَنِّي حَيْثُ تَفَرَّدْتُ بِبِدُونِ هُمُومِ النَّاسِ هُمْ نَفْسِي، فَصَدَقْتَنِي بِأَيِّهِ، وَ صَرَفْتَنِي عَنْ هَوَايَ، وَ صَرَّحَ لِي مَحْضُ أَمْرِي فَأَفْضَى بِي إِلَى جِدِّ لَا يَكُونُ فِيهِ لَعِبٌ، وَ صِدْقٌ لَا يَشُوبُهُ كَذِبٌ. وَ وَجَدْتُكَ بَعْضِي، بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي، وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي، فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي، فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا، مُسْتَظْهِراً بِهَذَا أَنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ فَنِيْتُ؛» اما بعد! آگاهی من از پشت کردن دنیا و چیرگی روزگار و روی آوردن آخرت به سویم، مرا از یاد غیر خودم باز داشته و تمام اهتمامم را بسوی آخرت جلب کرده است و

از آنجا که به خویشتن مشغولم از غیر خودم روی برتافته‌ام. این وضع، هوا و هوسم را کنار زده و نظر خالص و نهایی را برای من آشکار ساخته، لذا مرا به مرحله‌ای رسانده که سراسر جدی است و شوخی در آن راه ندارد و به راستی و صداقتی کشانده که در آن دروغ نیست و چون تو را جزئی از خود، بلکه همه خودم یافتم، آنچنانکه اگر ناراحتی به تو برسد به من رسیده و اگر مرگ دامنت را بگیرد گویا دامن مرا گرفته، به این جهت اهتمام کار تو را اهتمام کار خود یافتم، لذا این نامه را برای تو نوشتم تا تکیه‌گاه تو باشد، خواه من زنده باشم یا نباشم (همانجا).

در این قسمت امام (ع) می‌فرمایند: برای من روشن شده که دیگر باید تنها به فکر خود باشم و هم و غم خود را متوجه آخرت خود نمایم، لکن به این علت که تو فرزند و جگر گوشه من هستی و وجودت از وجود من است و اگر هر مصیبتی بر تو وارد شود گویا بر من وارد شده است، این وصیت را بر تو می‌نویسم در حالی که بنا نداشتم به غیر از خودم اشتغالی داشته باشم، ولی چون تو را از خودم جدا نمی‌بینم، به نصیحت تو مشغول شدم و این وصیت را برای تو نوشتم تا در حیات و ممات من کمکی برای تو باشد.

ایشان در بخش دیگر برای اظهار محبت و ابراز خیرخواهی و برانگیختن عواطف می‌فرمایند: «ای بُنّی، اِنِّی لَمَّا رَأَیْتُنِی قَدْ بَلَغْتُ سِنًا وَ رَأَیْتُنِی اَزْدَادُ وَ هُنَا بَادَرْتُ بِوَصِیَّتِی اِلَیْکَ، وَ اُوْرَدْتُ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ اَنْ یُعْجَلَ بِی اَجَلِی دُونَ اَنْ اُفْضِیْطَ اِلَیْکَ بِمَا فِی نَفْسِی، اَوْ اَنْ اَنْقُصَ فِی رَأِیِّ کَمَا نُقِصْتُ فِی جِسْمِی، اَوْ یَسْبِقَنِی اِلَیْکَ بَعْضُ غَلْبَاتِ اَلْهُوٰی وَ فِتَنِ الدُّنْیَا، فَتَکُوْنُ کَالصَّعْبِ النَّفُوْر»؛ پسر من! هنگامی که یافتم به سن پیری رسیده‌ام و دیدم قوایم به سستی می‌گراید، به این وصیت مبادرت ورزیدم و فرازهایی از آن را به تو گفتم، مبادا اجلم فرا رسد در حالی که آنچه را در درون داشته‌ام بیان نکرده باشم و پیش از آنکه در رأیم نقصانی ایجاد شود همچنانکه

در جسمم بوجود آمده یا پیش از آنکه هوا و هوس و فتنه‌های دنیا بر تو هجوم آورد و همچون مرکبی سرکش گردی (همان، 404).

کلمه بُنَى 13 مرتبه در این وصیت‌نامه به کار رفته است و دو نکته اساسی که از خلال این عبارات استناد میشود عبارت است از: اول اینکه پیری و گذشت عمر علاوه بر اینکه باعث ضعف قوای جسم می‌شود موجب تضعیف ذهن و قوه تفکر نیز می‌گردد. دوم اینکه اگر قلب انسان زنگار گیرد، دیگر ظرفیت پذیرش حقایق را از دست می‌دهد.

چهارمین بخش از این وصیت شریف که در آن اظهار محبت و جلب اعتماد و ابراز خیرخواهی شده از این قرار است: «فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَتَهَا، تَوَخَّيْتُكَ جَمِيلَهُ، وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ، وَ رَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّقِيْقَ، وَ أَجْمَعْتُ عَلَيْهِمْ أُدْبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ ... ثُمَّ أَشْفَقْتُ أَنْ يَلْتَبِسَ عَلَيْكَ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ مِنْ أَهْوَائِهِمْ وَ آرَائِهِمْ مِثْلَ الَّذِي التَّبَسَّعَ عَلَيْهِمْ، فَكَانَ إِحْكَامُ ذَلِكَ عَلَيَّ مَا كَرِهْتُ مِنْ تَنْبِيهِكَ لَهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ إِسْلَامِكَ إِلَيَّ أَمْرٍ لَا أَمْنُ عَلَيْكَ بِهِ الْهَلَاكَةَ وَ رَجَوْتُ أَنْ يُوفِّقَكَ اللهُ فِيهِ لِرُشْدِكَ، وَأَنْ يَهْدِيكَ لِقَصْدِكَ، فَعَهَدْتُ إِلَيْكَ وَصِيَّتِي هَذِهِ»؛ از میان تجارب گذشته قسمت‌های مهم و برگزیده را برایت خلاصه کردم و از بین همه آنها زیبایی‌ها را برایت انتخاب نمودم و مجهولات آن را از تو دور داشتم. لذا همانگونه که یک پدر مهربان بهترین نیکی‌ها را برای فرزندش می‌خواهد من نیز صلاح دیدم که تو را بدین صورت تربیت کنم و همت خود را بر آن گماشتم، آنگاه از این ترسیدم که آنچه بر مردم در اثر پیروی هوا و هوس و عقاید باطل مشتبه شده و در آن اختلاف نموده‌اند بر تو نیز مشتبه گردد، به همین دلیل روشن ساختن این قسمت هر چند چندان خوشایند تو نباشد، پیش من محبوبتر از آن است که تو را تسلیم امری سازم که از هلاکت ایمن نباشم و امیدوارم خداوند تو را در طریق رشد و صلاحیت توفیق دهد و به مقصودت رهبری کند. اینک این وصیتم را برای تو می‌فرستم (همانجا).

از این بخش از سخنان علی(ع) در وصیت به امام حسن (ع) به وضوح درمی‌یابیم که مسئولیت پدر فقط در تأمین خوراک و پوشاک و مسکن فرزند نیست، بلکه یک پدر وظیفه‌شناس و متعهد بیش از هر چیز به مسأله آموزش و پرورش فرزند خویش توجه دارد و نسبت به آن احساس مسؤولیت می‌نماید و تربیت صحیح فرزند خود را سرلوحه برنامه زندگی خویش قرار می‌دهد. نکته دیگر در دعای حضرت (ع) برای فرزندشان است که علاوه بر تحبیب و ابراز علاقه، دستوری است برای همه پدران نسبت به فرزندانشان. پنجمین قسمت از این وصیت شریف که در آن ابراز خیرخواهی و اظهار محبت و دلسوزی شده چنین است: «فانی لم آلك نصیحة و انك لن تبلى فی النظر لفسك وان اجتهدت مبلغ نظرلك»؛ من از هیچ اندرزی درباره‌ات کوتاهی نکردم و تو هر قدر هم کوشش کنی و صلاح خویش را بخواهی در نظر بگیری، مصالح خود را به آن اندازه که من درباره تو تشخیص داده‌ام، تشخیص نخواهی داد (همان، 406).

در این قسمت از وصیت‌نامه، امام (ع) در نهایت صراحت، خیرخواهی و دلسوزی را نسبت به فرزندشان ابراز می‌نماید. علاوه بر این، مطلب دیگری نیز که از این عبارات فهمیده می‌شود این است که پدر به دلیل داشتن تجربه و چشیدن سرد و گرم روزگار، دید وسیعتری نسبت به فرزند در خصوص مصالح و مفاسد او دارد و می‌تواند راهنمای دلسوز و آگاهی برای او باشد.

### آثار تربیت در نهج البلاغه

اگر تربیت بر مبنای رهنمودهای قرآنی و سیره پیامبر(ص) و ائمه (ع) انجام پذیرد، به تبع آثار مطلوبی را در پی خواهد داشت که از جمله برجسته‌ترین آنها که در نهج البلاغه نیز به آنها اشاره شده، می‌توان موارد زیر را برشمرد:

### 1- عبودیت

اولین و بارزترین اثر این است که انسان «عبد» خالق خود می‌شود. عبودیت در اسلام بالاترین مقام انسانی در پیشگاه خداوند است که از مصادیق آن می‌توان به پیامبر(ص) و ائمه (ع) اشاره کرد. عبودیت رمز آفرینش بشر است و بر همین اساس امام (ع) خود را «عبدالله» می‌خواند (همان، 436).

### 2- با ایمان شدن

یکی دیگر از آثار بارز تربیت اسلامی در نهج البلاغه، «مؤمن» شدن فرزند است و طبعاً چنین فردی صفات و شروط تربیت درست را دارا بوده و متواضع، پندگویی و دل‌نگران خود و دیگران و ترسان از خوف خداست و چهره‌اش مسرور و اندوه در دلش پنهان است و دارای سعه صدر است (همان، 586).

### 3- با تقوا شدن

از دیگر آثار تربیت اسلامی در نهج البلاغه، «متقی» شدن فرزند است؛ چنانکه در خطبه «همام» حدود 110 صفت از متقی یاد شده است. متقی بنده‌ای است سپاسگذار و از لحاظ قرب به درجه‌ای رسیده که با وجود همه بن‌بست‌ها در عرصه حیات، به دلیل تقوایش خداوند راه نجات را بر او گشوده است (همان، 309).

### 4- حزب الله شدن

یکی دیگر از آثار تربیت اسلامی «حزب‌الله» شدن فرزند است. بر اساس توصیف امام علی(ع)، حزب‌الله کسی است که مسئولیت‌های دشوار را در پیشگاه خدا به انجام می‌رساند و در راه او از هرگونه تلخی و سختی هراس ندارد. خواب شیرین را آنقدر ترک می‌کند تا توان ایستادن از کف می‌دهد و وقتی خواب بر او چیره می‌شود، زمین را بستر و کف دست را بالین خویش می‌سازد و در آخر به قرب الهی رسیده و بنده محبوب خدا می‌شود (همان، 428).

امام علی (ع) صفات بنده‌ای را که محبوب خداست، اینگونه شرح می‌دهند: «خداوند او را در نبرد با نفس خویش یاری داده، او اندوه را جامه درون و ترس را جامه بیرون ساخته است. در شبستان قلبش چراغ هدایت فروزان است. بدین گونه او را به نفس خویش نزدیک کرده و سختی را آسان نموده‌است. او با ژرف‌نگری بینش یافته، به یاد خدا بوده و به عمل خویش افزوده است. آب گوارا را از آبشخور هموار نوشیده و با نخستین جرعه سیراب شده است. گام در راهی روشن نهاده و از کوردلی و هوا و هوس بیرون آمده، خود به تنهایی کلیدهای هدایت را در قفل‌های هلاکت گردانیده، راه خویش را با بینشی درست برگزیده و پیش رفته است و از یقینی به روشنی آفتاب بهره‌مند شده است» (همان، 104).

### نتیجه‌گیری

با بررسی خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه به دست آمد از جمله حقوقی که حضرت علی (ع) آن را مطرح نموده و بر اعطای آن به ذی حق تأکید ورزیده‌اند، حق فرزند بر پدر و مادر است که از جمله مهمترین مؤلفه این حق، تربیت دینی و صحیح فرزند توسط والدین است و این امر خطیر از قبل از تولد فرزند آغاز می‌شود و در ادامه زندگی فرزند تکمیل می‌گردد.

هرگاه تربیت در مسیر درست خود قرار گیرد و با حلم و بردباری والدین با نظر به زمینه‌سازی‌های مناسب انجام گردد، آنگاه اثرات مطلوبی در پی خواهد داشت که در ظل آن نسل بشر به سعادت که غایت خلقت است، دست می‌یابد.

## فهرست منابع

1. نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، انتشارات نیستان، ج 18، 1385.
2. نهج البلاغه، ترجمه محمدمهدی فولادوند، انتشارات پیام حق، ج 2، 1381.
3. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات الهادی، 1387.
4. بندرریگی، محمد، فرهنگ عربی به فارسی (ترجمه منجد/الطلاب)، انتشارات تهران اسلامی، 1395.
5. جبران، مسعود، فرهنگ الفبایی الرائد، ترجمه رضا ترابی نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، به نشر، ج 1، 1381.
6. سادات، محمد علی، راهنمای پدران و مادران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج 2، 1387.
7. سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تصحیح سید حسین نصر، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج 3، 1372.
8. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج 1 و 2، 1395.
9. طباطبایی، محمدرضا، صرف ساده، قم، دارالعلم، 1379.
10. قنبری، حیدر، تربیت فرزند، فاتح خیبر، 1386.
11. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، ج 10، 1373.
12. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، انتشارات دارالثقلین، ج 5، 1393.
13. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، 1388.
14. مصطفی، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، انتشارات صادق، 1387.